

اخیراً گروهی از هموطنانمان همراه مدیر و سردبیر راه زندگی در (مونترئو) - سویس - با آقای اردشیر زاهدی وزیر پیشین امور خارجه و آخرین سفیر ایران در آمریکا، دیدار کردند و در رابطه با مسایل روز پرسش هایی را مطرح کردند، این گزارش بر مبنای آن و همچنین پرسش هایی که در دیدار جداگانه با مسئولان (راه زندگی) مطرح گردید، تدارک شده است.

■ ■ ■

چون این دیدار همزمان با کنفرانس ۱۲۰ کشور غیر متعهد در تهران بود، اولین پرسش در این زمینه بعمل آمد. آقای زاهدی ضمن صحبت های خود یادآور شدند بعد از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل در ۱۹۴۵ با ۴۰ کشور تشکیل شد. و در سال ۱۹۵۶، ۵۹ کشور عضو این سازمان بود که اعضای آن حالا به بیش از ۱۹۰ عضو افزایش یافته است. با درگیری دو ابر قدرت آن روزگار (امریکا - شوروی) صفوف کشورهای غیر متعهد و در واقع غیر وابسته به اردوگاه های غرب و شرق در هم فشرده تر شد و در سال ۱۹۶۱ به پیشنهاد نهر و تیتو رهبر یوگسلاوی شمار کشورهای ناوابسته و غیر متعهد از ۷۰ و چند کشور بتدریج رو به فزونی نهاد و اینک بالغ بر ۱۲۰ کشور عضو و ۱۷ کشور ناظر بالغ شده است. برغم مخالفت امریکا و اسرائیل، با اجلاس اخیر کشورهای غیر متعهد در تهران، موافقت بعمل آمد. در میان نمایندگان کشورها چهل رئیس کشور دیده میشدند. در کنفرانس اصل غیر متعهد بودن رعایت شد. از جمله مرسی رئیس جمهوری مصر، از مبارزان رژیم اسد که از آنان بعنوان شورشی یاد میشود حمایت بعمل آورد. ولی رئیس جمهور مصر و ایران در مورد فلسطین هم صدا بودند.

اردشیر زاهدی گفت:

افزایش کشورهای ناوابسته نشانه این است که جهانیان از سیاست غرب بخصوص امریکا که یک روزی «ابر قدرت» بشمار میرفت و محبوب بود، خسته شده اند. در حقیقت جنبش کشورهای ناوابسته بصورت یک کلوب در آمده

دیدار و گفتگو با (اردشیر زاهدی) وزیر پیشین امور خارجه و آخرین سفیر ایران در آمریکا

■ اردشیر زاهدی:

تعصبات مذهبی بر مشکلات

سیاسی امروز افزوده است!

دنبال این فکر بود که سازمان ملل باید به حقوق سایر کشورها بیشتر توجه کند. امروز هم هست، در حقیقت بیشتر کشورها دنبال آن هستند و سازمان ملل هم وقوف پیدا کرده که باید کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین از قدرت بیشتری برخوردار باشند. اما هنوز راه حل عملی یافته نشده است. بن کی مون دبیر کل فعلی سازمان ملل هم چندی پیش در (بی بی سی) به این مطلب اشاره کرد.

■ رهایی ایران

صحبت از ایران و رهایی ایران به میان آمد، اردشیر زاهدی اظهار داشت: ایران - و هر کشوری را - افرادی می تواند آزاد کند که خود را فدای کشورشان کنند، نه این که کشور را فدای خود کنند!... اگر پنهانکاری، دروغ و ریاکاری نبود، کشورمان از دست نمیرفت که حالا در اندیشه رهایی آن باشیم. مردم شاه را دوست داشتند، شاه هم مردم و مملکت را بسیار دوست داشت، و عاشق ایران بود. من از نزدیک شاهد آن بودم. شاه دوست داشت که به او راست بگویند، اگر مرا تحمل کرد شاید برای این بود که حقایق را می گفتم. شاه نباید از کشور میرفت. البته در رفتن شاه عوامل داخلی و خارجی بخصوص دولت فرانسه، نخست وزیر

بود. اردشیر زاهدی در گفته های خود روی دو موضوع تاکید داشت: جنبش کشورهای ناوابسته... و فلسطین... در مورد کشورهای ناوابسته، عقیده ایشان بر این بود که این جنبش به صورت یک کلوب در آمده است. البته، در ابتدا چنین نبود، اما سر و صداهای روزنامه های اروپا و آمریکا زمینه همبستگی های این کشورها را بیشتر فراهم کردند.

اردشیر زاهدی افزود: از موضوع های بسیار مهم امروز جهان و این کنفرانس یکی قضیه فلسطین است که باید یک کشور مستقل بشود. من بارها گفته ام تا این قضیه حل نشود صلح برقرار نخواهد شد. سازمان ملل میتواند در این جریان و سایر جریان ها موثر باشد. هر کشوری منافع خودش را میخواهد، منافع ملی و محلی کشورها باید رعایت گردد، ولی متأسفانه غرب باین موضوع توجه ندارد.

در مورد فلسطین آمریکا به استقلال آن اعتقاد داشت، ولی سال بعد اعلام داشت که اگر مسئله ایجاد کشور فلسطین مطرح شود آن را (وتو) خواهد کرد.

با وضع امروز سازمان ملل غیر از این نیز نمی توان انتظار داشت. نمایندگان کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین نیز باید از حقی که دارند برخوردار باشند. ایران از دیرباز

انگلیس و رئیس جمهوری امریکا و همکارانش نقش ساز بودند.

در کتاب معروف پادشاهان نفت **Oil Kings** نوشته Andrew Copper نیز دست داشتن غرب در سقوط رژیم پهلوی را به زمان فورد می برد. در جواب این سؤال که چه کسی شانس اداره آینده ایران را خواهد داشت، اردشیر زاهدی گفت: همیشه می گویم که آینده ایران را جوانان تحصیلکرده ایرانی و گروه های فهمیده می سازند و باید بسازند. در روزهایی که ما درس می خواندیم، از پدیده های تکنولوژی امروز، کامپیوتر و اینترنت، خبری نبود. حالنسل امروز از آن برخوردار است و فکر روشن تری دارد. و مطمئن هستم که در آینده کشور نقش مؤثرتری خواهند داشت.

■ ایران و عربستان

دامنه صحبت به عربستان کشید که این روزها دستخوش تحولاتی است.

اردشیر زاهدی اظهار داشت: عربستان یکی از کشورهای وابسته به امریکا در منطقه خاورمیانه است. این کشور از خریداران عمده ساز و برگ نظامی امریکا بشمار میرود. بنا به قرارداد، خرید امسال عربستان از امریکا ۸۴ بمب افکن اف-۱۵ پیشرفته، و جنگنده های دیگر نوسازی شده به بهای ۳۳/۴ میلیارد دلار خواهد بود. به اضافه انواع دیگر ساز و برگ نظامی... این کشور با ۱۵ میلیون جمعیت به نوشته News Week ۴۰ درصد پولهایی که هزینه میکند برای خرید اسلحه از امریکا است، آن هم در شرایطی که ۴۰ درصد مردم با زیر ۱۰۰۰ دلار در آمد هستند.

دولت امروز ایران با عربستان درگیری هایی دارد، از جمله سیاست متفاوتی که دو کشور در مورد سوریه دنبال می کنند. در سوریه حکومت بشار اسد سخت در برابر مخالفان داخلی ایستاده و نشان داده که زیر بار فشار خارجی نمی رود و هرچه این فشار بیشتر میشود، مقاومت بیشتر



اردشیر زاهدی - والا حضرت شهناز - والا حضرت مهناز

که Paul Green در امریکا به چاپ رسانده به تفصیل به جریان اشاره شده است. وقتی حسن نیت، اطمینان و اعتماد حتی بین دو دشمن در کار باشد با مذاکره چهره به چهره و نگاه در نگاه هر مشکلی حل خواهد شد.

صحبت دیگری که در آن دیدار دوستانه در دیدار با اردشیر زاهدی به میان آمد، در پاره دستیابی به سلاح هسته ای و بهره گیری از نیروی اتمی بود. البته تحریم های شدید اقتصادی، محدودیت های معاملات بانکی موجب از سرگیری و ادامه گفتگوهای تهران و آژانس بین المللی انرژی اتمی گردیده است. مقامات رژیم ایران می گویند پیمان منع خودداری از تکثیر نیروی اتم، تضادی با غنی سازی اتم برای تولید سوخت اتمی و بهره گیری از آن در زمینه های صلح آمیز ندارد و آنچه از آن منع بعمل آمده تولید سلاح اتمی است که ایران هنوز به آن دست نیافته است...

در ضمن، این اعتقاد هم وجود دارد، در شرایطی

بهمراه دارد. و عربستان و قطر همگام امریکا در صف مخالف آن قرار گرفته است.

■ نقش دیپلماسی و میانجیگری

اردشیر زاهدی تاکید کردند که مسایل و مشکلات جهانی را از طریق دیپلماسی بهتر می توان حل کرد. این روش در برقراری صلح جهانی نیز خیلی موثر است. و مخالفت شدید خود را با اختلافات و تعصبات مذهبی ابراز نظر کرد. اردشیر زاهدی این حقیقت را در زندگی سیاسی و اجتماعی خود بخوبی تجربه کرده است از جمله جریان مسلمانان افراطی حنفی که ساختمان بنی بریت را در ۹ مارچ ۱۹۷۷ اشغال کردند و پادرمیانی و میانجیگری اردشیر زاهدی در رفع آن نقش اساسی داشت.



اردشیر زاهدی در دنباله گفته های خود اظهار داشت: من نمی خواهم درباره خودم حرف بزنم، در کتاب **Forgotten Hostages**

که ایران در حلقه ۶ کشور از ۹ کشور دارنده سلاح اتمی قرار دارد که عبارتند از: اسرائیل در غرب، روسیه در شمال، چین در شمال شرقی، هند و پاکستان در غرب و ناوگان پنجم آمریکا در جنوب، چنانچه ایران از سلاح اتمی برخوردار شود، امکان دوام صلح و جلوگیری از یک جنگ گسترده بیشتر خواهد بود. اگر به قول غربی ها، پاکستان که از متزلزل ترین و نائبات ترین کشورها بشمار میرود میتواند سلاح اتمی را در زرادخانه خود داشته باشد، چه دلیلی دارد که ایران با یک تمدن کهن باید از آن محروم باشد؟!

در این زمینه اردشیر زاهدی گفت:

پروفسور Kenneth Waltz در نشریه اخیر Foreign Affairs تحت عنوان «چرا ایران باید بمب اتمی داشته باشد؟»

Why Iran should get the Bomb? در این زمینه دلایل چندگانه ای در تائید و توجیه آن ذکر کرده است.

همانطور که می دانید، من قرارداد منع تولید بمب اتم را در ۱۹۶۸ از جانب ایران امضاء کردم. به موجب آن، ایران حق تولید انرژی و مصارف صلح آمیز دارد. همه کشورها باید حق بهره گیری از انرژی اتمی را در مصارف صلح آمیز دارد. نه فقط کشورهایی که قرارداد را امضاء کردند چنین حقی را دارند، دلیلی ندارد کشورهای دیگری مانند مصر و عربستان چنین حقی را نداشته باشند.

اردشیر زاهدی افزود:

- پیشنهاد می کنم نوشته های پروفسور دکتر فرهنگ جهانپور را در این زمینه بخوانید. (مطلب دکتر فرهنگ جهانپور در شماره ۱۲۴۵ راه زندگی در بخش انگلیسی چاپ شده است).

دنباله صحبت به اینجا کشید که در زمان وزارت و سفارت آقای اردشیر زاهدی، آمریکا همیشه یک ابرقدرت بشمار میرفت و کشورهای مختلف احترام ویژه ای برای آن قایل بودند. اما بنظر میرسد که آمریکا در این زمان در آن

موضع که آن زمان قرار داشت، قرار ندارد. اردشیر زاهدی معتقد بودند که افزایش شمار کشورهای غیر متعهد در تهران و دیدار آنها بدون نظر موافق آمریکا و اسرائیل یکی از نمونه های این جریان بوده...

آمریکا با عملی که در جریان جنگ کانال سوئز با شرکت فرانسه و انگلیس و اسرائیل به آن دست زد، و در جهت مخالف خواست و علاقه و جبهه خود را در زمان ریاست جمهوری آیزنهاور و وزارت امور خارجه جان فاستر دالس به دست آورد، و به شدت به فرانسه و انگلیس به خاطر این حمله اعتراض کردند و کار به جایی کشید دولت انتونی ایدن نخست وزیر محبوب انگلیس که در مجلس اکثریت داشت، ساقط گردید و ایدن از صحنه سیاست کناره گیری کرد. آقای زاهدی می گفتند، ملاحظه کردید که چه اعتراض هایی در کنفرانس کشورهای ناوابسته به آمریکا شد. کنگره این کشور نیز در دریایی از بی خبری نسبت به آنچه در جهان می گذرد، غوطه ور است. همکاری دو حزب. اینک که آمریکا دارد سال انتخابات را تجربه می کند، همه چیز تحت الشعاع آن قرار گرفته است.

گفته شد روش آمریکا در جنگ ۸ ساله ایران و عراق و حمله آمریکا به عراق نیز مورد انتقاد و ایراد فراوان قرار گرفته است.

آقای زاهدی معتقد بودند، جنگ ایران و عراق برای هر دو کشور زیانبار بود. از نفوذ آمریکا کاست و در طول یک دهه بیش از یک تریلیون دلار هزینه برای آن کشور ایجاد کرد. بهانه جنگ و حمله به عراق، سلاح های میکروبی، شیمیایی و اتمی بود که هیچ نشانه ای از آن بدست نیامد. نتیجه اش این بود که نفوذ جمهوری اسلامی در حال حاضر در عراق بیشتر از آمریکا شده است. البته، آمریکا در این بازی های سیاسی معادل میلیاردها دلار ساز و برگ نظامی به کشورهای منطقه فروخته است تنها فروش اسلحه به عربستان سعودی در سال گذشته متجاوز از ۳۲/۴ میلیارد دلار بوده،

خرید امارات متحد عربی نیز از ۳ میلیارد دلار تجاوز کرده است.

آقای زاهدی افزودند: افغانستان نیز سرنوشت بهتری از نظر مداخله کشورهای خارجی نداشته، تصویر این بود که نیروهای ۴۸ کشور مداخله گر در افغانستان در مدت ۸،۷ ماه این کشور را ترک می کنند، اما چنین نشد ۸ یا ۹ سال گذشت. بنابه بر آوردی که صورت گرفته است میراث افغانستان برای آمریکا متجاوز از یک تریلیون دلار هزینه در پایان ۲۰۱۴ خواهد بود.

اردشیر زاهدی اشاره کرد که متاسفانه در منطقه بذرفرقه گرایی و جدایی صف پیروان اعتقادات مذهب مختلف (Sectarian) نشانه شده است. این سیاست، دنباله سیاست استعماری دول غرب است. زمانی سیاست «تفرقه بنداز و حکومت کن» در کار بود، حالا همان سیاست به شکل افشاندن بذرفرقه اختلافات مذهبی خودنمایی میکند. به جان هم انداختن و تفرقه در میان پیروان باورهای مختلف مذهبی را کشورهای مانند پاکستان، عراق و ایران مان در مورد شیعه ها و سنی ها دیدیم. همین موضوع تنگ تر شدن حلقه تحریم علیه ایران و احتمال اقدام ایران به بستن تنگه هرمز بر دشواری ها افزوده است.

■ آقای زاهدی رفتن شاه از ایران برای شما و سایر اطرافیان شاه فیر مترقبه بود و اگر شاه می ماند این حوادث رخ می داد؟

- پیش از این نیز گفته ام که این بستگی دارد باین که منظور چه موقعی است. به اعتقاد من اگر شما به ۹،۸ ماه جلوتر از زمان خروج شاه از ایران نگاه کنید چنانچه همه چیز درست انجام میشد، چیزی روی نمی داد. من فکر می کنم اولاً، اگر دوستانمان در آن سوی اروپا و متحدان ما، آمریکا، انگلستان، فرانسه، درک و شناخت بهتری از اوضاع داشتند، ثانیاً، چنانچه اعلیحضرت همایونی کشور را ترک نمی کردند خمینی جرات نداشت از عراق بیاید. ثالثاً، بیماری اعلیحضرت، که به سهم خود دلیلی



گروهی از شرکت‌کنندگان تور راه زندگی و سردبیر مجله در دیدار با آقای اردشیر زاهدی در مونترال - سوئیس

اند که هم دولت سوریه و هم مخالفان محکوم هستند.

در ضمن، نکته جالب سخن یک پزشک فرانسوی در نشریه هرالد تریبون بین المللی است که در سوریه به درمان زخمی‌ها و آسیب دیدگان سرگرم بوده، به اعتقاد او حدود ۵۰ درصد که به کارهای توأم با خونریزی دست می‌زدند اهل سوریه نبودند... حتماً شنیدید که صدها نفر را بدون محاکمه سر بریدند که اغلب افراد خارجی و در حقیقت غیر سوری بودند.

شنبه ۱۵ سپتامبر به دنبال درگیری‌های شدید و موج اعتراضات مردم در ۲۱ کشور اسلامی و حتی غیر اسلامی در رابطه با نمایش فیلمی علیه اسلام در آمریکا، از آقای اردشیر زاهدی در این زمینه سؤال شد و ایشان در پاسخ با قاطعیت گفتند که از تعصبات مذهبی و بروز درگیری بین جناح‌های مختلف باید جلوگیری کرد. متأسفانه در جهان امروز افرادی هستند که یا از روی بی‌عقلی و یا به خاطر منافع شخصی و سیاسی دست به کارهایی می‌زنند که بشریت از آن ضرر خواهد دید. ■

رهبری شاه‌نه فقط برای خاورمیانه بلکه من فکر می‌کنم برای آسیا و اروپا و حتی آمریکا بسیار مهم می‌بود.

در حالی که هموطنان عزیز با اشتیاق به گفته‌های آقای زاهدی گوش می‌کردند، ایشان گفتند:

- در ضمن، فراموش نکنیم که در آنچه بر سر وطن ما آمد، همه تقصیر داشتند و کوتاهی کردند. من خودم راهم مقصر میدانم، گناه رابه گردن کارتر و این و آن، این کشور و آن کشور، نباید بیندازیم. اگر ما درست عمل کرده بودیم، مملکت مان را از دست نمی‌دادیم، همه مقصر بودیم، از آنچه اتفاق افتاد باید برای نجات مملکت تجربه گرفت.

در پی آن، صحبت اوج گرفتن بحران در سوریه پیش آمد، آقای زاهدی اظهار داشت، کوفی عنان - دبیر کل سابق سازمان ملل و برنده جایزه صلح نوبل - مصاحبه مفصلی در این باره داشته که گفته آنچه در سوریه می‌گذرد امروز، فردا، سه ماه یا ۶ ماه دیگر بالاخره باید به گونه‌ای حل شود و گرنه صدها هزار مردم بیگناه دیگر کشته خواهند شد. محافل ناظر بر اوضاع حتی در سازمان ملل و حقوق بشر به این نتیجه رسیده

برای خروج از کشور بود و بیمار بودن در دو سال آخر و شاید هم بیشتر آنهم ابتلا به سرطان، مشکلات و معضلاتی برای ایشان ایجاد کرد.

■ اگر خمینی نیامده بود و شاه در مسند قدرت باقی می‌ماند آیا اوضاع در کشورمان و بطور کلی خاورمیانه و دنیای امروز متفاوت می‌بود؟

- اینطور فکر میکنم، اگر شاه کشور را ترک نمی‌کرد و اوضاع بهم نخورده بود خمینی هرگز جرات نمی‌کرد که بیاید. آنچه روی داد بخاطر تبلیغات بسود خمینی، بخصوص از جانب بی‌بی‌سی در آن روزها و فرانسه و متأسفانه رقابت بین آمریکا و فرانسه و انگلیس بود. زیرا اروپائیان از مناسبات ما با آمریکا خوشنود نبودند. اگر شاه سقوط نمی‌کرد و نرفته بود، ما جنگی نداشتیم و عراق حتی جرات نمی‌کرد به کویت حمله کند. بخاطر دارم که من وزیر امور خارجه بودم و سازمان پیمان مرکزی دیداری در واشنگتن داشت، ضمن صحبت با پرزیدنت نیکسون، گفتم هر زمان هر اتفاقی علیه کشور کوچکی در آن سوی خلیج فارس روی دهد، ما آنرا اجازه نخواهیم داد. باز بخاطر دارم که بهنگام جنگ وقتی عراق در صدد اعزام نیرو برای فتح اسرائیل بود، فقط با اعلام اینکه ما مانورهایی در مرز ایران خواهیم داشت، آنها از اعزام نیرو خودداری ورزیدند که اگر چنین نمی‌شد حتی در آن زمان تعادل بین اعراب و اسرائیل بهم می‌خورد. و فکر می‌کنم که از نظر اقتصادی وضع بکلی متفاوتی پیش می‌آمد.

یادآور می‌شوم که ایران در آن روزها بیش از ۲۵،۴۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت و ما به انگلستان، فرانسه و ایتالیا کمک می‌کردیم. ماجرای افغانستان روی نمی‌داد و می‌دانید که بدست افراد نامطلوب چه حوادثی در آن کشور رخ داده است. همینطور در پاکستان نیز اوضاع بدینگونه نبود. کل ژئوپولتیک آن بخش از جهان که در سایر بخش‌ها تاثیرگذار است، بکلی متفاوت می‌بود. ایران در چنان شرایطی با